

نقد و تحلیل روند تحقیقات و تألیفات در موضوع زنان در ایران

ثریا مکنون*

چکیده

در میان تحقیقات علوم انسانی در ایران، موضوعات زنان، با آنکه دارای عناوین متنوع و متعددی است، ولی جزء رشته‌های نوپا و جدید محسوب می‌شود؛ و در نظام علمی کشور، اهمیت این دانش به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است.

در مقاله حاضر، به بررسی اجمالی تغییرات پدید آمده نسبت به جایگاه زنان در ایران، چالش‌ها و موضع‌گیری‌های دوگانه در مورد موضوعات مبتلا به آنان (مانند تناقضی تحصیل و اشتغال) پرداخته شده و ضرورت تولید و تنظیم الگوی سازمان‌یافته و متناسب با جامعه‌ی اسلامی- ایرانی به‌عنوان خلاء اصلی به‌خصوص در بخش‌های پژوهشی و تحقیقات علوم انسانی و مطالعات زنان، اشاره شده است.

این مقاله، در برگزیده‌ی گزارشی از طرح پژوهشی انجام‌گرفته در گروه بررسی مسائل زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. در این پژوهش علاوه بر گزارش روند تحقیقات در موضوعات مربوط به زنان در بیست سال گذشته (۱۳۶۳-۱۳۸۳)، الگویی جامع شامل ۲۷ متغیر سه بُعدی به‌عنوان شاخصه‌ی ارزیابی معرفی می‌شود که این پژوهش را از تحقیقات مشابه آن متمایز می‌نماید.

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آنند که تحقیقات و تألیفات بیشتر در موضوعات فردی زنان، با پیروی از شرایط اجتماعی به جای نگرش به ابعاد توسعه‌ای از جمله محورهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده است؛ به علاوه، الگوی خاصی که مبین سیر مشخص و حاکم بر جهت تحقیقات باشد، یافت نشد.

کلیدواژه‌ها: تحقیقات زنان، ارزشیابی، توسعه علمی، علوم انسانی

* استادیار و مدیر گروه بررسی مسائل زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

s_maknoon@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۸

مقدمه

توجه به جایگاه و منزلت زن در جهان، طی دهه‌های اخیر، انگیزه‌ای برای مطالعه و بررسی شیوه‌های ارتقاء جایگاه متناسب برای زنان شده و شامل نظرات گوناگونی درباره‌ی موقعیت برابر آنان با مردان تا موقعیت برتر زنان نسبت به مردان است. البته، امروزه در سطح بین‌المللی بهترین وضعیت برای حضور اجتماعی، سازمان‌یافته، علمی و قاعده‌مند زنان ایجاد موقعیتی با حقوق برابر با مردان است.

پس از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ در ایران، نقش زنان در پیروزی انقلاب با مشارکت در عرصه‌های مختلف توجه جهانیان را به‌سوی ایران جلب نمود و موجب شد تا در برابر سؤال‌های غرب نسبت به ایران و اسلام فعالیت‌های علمی (تألیفات و تحقیقات به منظور تبیین مقام حقیقی زن) افزایش یابد و کماکان نیز ادامه‌دارد (مکنون، ۱۳۸۶: ۲۹).

هر چند در سطح جهانی فعالیت‌های پژوهشی و دانشگاهی با پیروی از روش‌های قاعده‌مند و هماهنگ توانسته مشارکت برابر زنان را عمومی کند و حتی افزایش دهد، ولی در ایران به دلایل مشکلات داخلی و فشارهای بین‌المللی و سایر عوامل این حرکت و تلاش نتوانسته چندان نظام‌مند عمل کند و معضلات زنان را شناسایی و حل و فصل نماید. لذا توصیه‌های ارائه‌شده در قالب مقاله، سخنرانی و... عمدتاً وهله‌ای و حداکثر برای رفع نیازها و مشکلات مقطعی اقشار خاصی از زنان بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیازهای جدیدی برای به‌کارگیری توانمندی‌های زنان پیدا شد که یک علت آن توجه جهانی به جایگاه زن و طرح قوانین جدید حقوقی در مورد زنان بود. در حالی که برای رفع این نیازها و ایجاد بسترهای مناسب پرورش و آموزش متناسب با جهت‌گیری‌های ارزشی و اخلاقی جامعه کمتر اقدامی صورت گرفت. لذا، دو محور تولید نیاز و راه‌های ارضاء نیاز هماهنگ با یکدیگر پیش نرفتند که این امر مشکلات فرهنگی هم در سطح ملی و هم سطح بین‌المللی ایجاد کرد. برای مثال، حضور زنان در مراکز تصمیم‌گیری همچون مجلس شورای اسلامی ضرورتی بود که پس از انقلاب اسلامی به‌وجود آمد و طی دوره‌های مختلف رغبت زنان نیز برای حضور در مراکز تصمیم‌گیری افزایش یافت. در حالی که عدم آمادگی اجرایی و قانون‌مند برای حضور قدرت‌مند در مناصب قانون‌گذاری و اجرایی مانعی برای رشد و عملکرد به‌جا و قدرت‌مند زنان در این حوزه بود. به‌عبارت دیگر، احساس نیاز در جامعه به‌وجود آمد اما زمینه‌ی ارضاء این نیاز به همان نسبت ایجاد نشد.

در حالی که در کشورهای غربی ایجاد نیاز و اسباب ارضاء آن متناسب با اهداف و ضروریات آن نظام به شکل متوازن در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دیده شده است:

«در غرب حضور زنان در مناصب بالا، چه در منطقه و چه در دولت و ایالتی از دهه‌ی ۱۹۷۰ به‌طور چشمگیری افزایش یافته ولی در عین حال، هنوز تعداد مردان در مناصب عالی بیشتر است. در سال ۲۰۰۵، که صدمین سالگرد حق رأی‌دادن زنان بود، ۱۵ درصد اعضاء کنگره و ۲۲ درصد قانون‌گذاران دولتی را زنان تشکیل می‌دادند در حالی که مردان به ترتیب ۸۵ و ۷۷/۵ درصد بودند... نتایج انتخابات نشان می‌دهد که از طرف مردم در امریکا انتخاب زنان نسبت به مردان تفاوت چندانی ندارد و همین تعادل جنسیتی در موفقیت انتخاباتی موجب تکرار این شعار شده که وقتی زنان نامزد می‌شوند، حتماً برنده هم می‌شوند... با ادامه‌ی تغییر نقش زنان در جامعه و پذیرش برخی محدودیت‌ها در بعضی ایالت‌های امریکا پیش‌بینی می‌شد زنان شغل‌های مدیریتی بیشتری را تصاحب کنند» (Sanbonmatsu, 2005: 2).

علاوه بر تحقیقات نظری، در عمل هم نمی‌توان جریان و رشد یکنواخت و هماهنگ را برای حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی ملاحظه نمود. مقایسه‌ی تعداد داوطلبان و منتخبین و کاهش نسبت نمایندگان زن به مرد در هشت دوره مجلس شورای اسلامی گواه این مسئله می‌باشد. (تارنمای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان / آمار)

جدول ۱- مقایسه‌ی تعداد داوطلبان و منتخبین هشت دوره مجلس شورای اسلامی

تعداد منتخبین مجلس شورای اسلامی به تفکیک دوره و جنس			تعداد داوطلبان نمایندگی در مجلس شورای اسلامی به تفکیک دوره و جنس			دوره
درصد زن به مرد	مرد	زن	درصد زن به مرد	مرد	زن	
۰/۰۴٪	۹۵	۴	۰/۰۱٪	۳۶۲۸	۶۶	اول
۰/۰۳٪	۱۱۸	۴	۰/۰۱٪	۱۵۶۴	۲۸	دوم
۰/۰۲٪	۱۷۶	۴	۰/۰۱٪	۱۹۶۲	۳۷	سوم
۰/۰۳٪	۲۶۴	۹	۰/۰۲٪	۳۱۵۲	۸۱	چهارم
۰/۰۵٪	۲۵۷	۱۴	۰/۰۶٪	۵۰۴۶	۳۲۰	پنجم
۰/۰۴٪	۲۶۲	۱۲	۰/۰۸٪	۶۳۴۰	۵۱۳	ششم
۰/۰۴٪	۲۷۰	۱۳	۰/۰۱۱٪	۷۳۴۴	۸۲۸	هفتم
۰/۰۲٪	۲۷۸	۸	۰/۰۸٪	۶۵۸۳	۵۸۵	هشتم

جدول ۲- نسبت منتخبین به داوطلبان زن در مجلس شورای اسلامی

دوره	داوطلبان زن	منتخبین زن	نسبت منتخب به داوطلب
اول	۶۶	۴	۰/۰۶٪
دوم	۲۸	۴	۰/۱۴٪
سوم	۳۷	۴	۰/۱۰٪
چهارم	۸۱	۹	۰/۱۱٪
پنجم	۳۲۰	۱۴	۰/۰۴٪
ششم	۵۱۳	۱۲	۰/۰۲٪
هفتم	۸۲۸	۱۳	۰/۰۱٪
هشتم	۵۸۵	۸	۰/۰۱٪

همچنین در بخش آموزش، جدول شماره ۳ روند افزایش نرخ حضور دختران و کادر آموزشی زن در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نسبت به مردان از ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۰ (آمار آموزش عالی، گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک: ۲۴۸) و همچنین آخرین آمار در سال ۱۳۸۸ (محمدنژاد عالی زمینی، ۱۳۸۸: ۶۶) را نشان می‌دهد:

جدول ۳- نسبت دانشجویان و کادر آموزشی زن به مرد

سال تحصیلی	نسبت دانشجویان (زن به مرد)	میزان رشد یا کاهش نسبت به بازه‌ی زمانی قبل	نسبت کادر آموزشی (زن به مرد)	میزان رشد یا کاهش نسبت به بازه‌ی زمانی قبل
۱۳۴۹-۵۰	۰/۳۴٪		۰/۱۴٪	
۱۳۵۸-۵۹	-۰/۴۴٪	+ ۱/۲۹	۰/۱۷٪	+ ۱/۲۱
۱۳۶۱-۶۲	-۰/۴۴٪		۰/۱۸٪	
۱۳۶۹-۷۰	-۰/۳۷٪	- ۰/۸۴	۰/۲۰٪	+ ۱/۱
۱۳۷۰-۷۱	-۰/۳۹٪		۰/۲۰٪	
۱۳۷۸-۷۹	-۰/۷۸٪	+ ۲	۰/۲۱٪	+ ۱/۰۵
۱۳۷۹-۸۰	-۰/۸۹٪		۰/۲۲٪	
۱۳۸۷-۸۸	۱/۴۱٪	+ ۱/۵۸	۰/۲۳٪	+ ۱/۰۴

عدم تعامل و ارتباط قاعده‌مند میان نهادهای تحقیقاتی - دانشگاهی، حوزوی و دستگاه‌های اجرایی مربوط به مسائل زنان در جامعه موجب شده که علی‌رغم افزایش آمار کمی حضور زنان و تسهیل سوادآموزی و تحصیلات عالی، شاخص معینی برای سنجش حضور کیفی و میزان تأثیر آنان در بخش‌های راهبردی در نظر گرفته نشده است.

هر چند رشد تحصیلات از شرایط لازم توسعه‌یافتگی در کشور ما محسوب می‌شود ولی شرط آن، رشد موضوعات وابسته به تحصیلات عالی از جمله فرصت‌های شغلی برای زنان به همان نسبت است. در حالی که طی سال‌های گذشته نرخ رشد اشتغال به نسبت افزایش آمار دانشجویان دختر در برخی موارد کاهش نیز داشته است، منظور از اشتغال صرفاً اشتغال در بخش دولتی نبوده بلکه فراهم‌آوردن امکانات برای ایجاد خلاقیت و میزان تأثیر در تولید ناخالص ملی است. (پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از نیروی کار، ۱۳۸۴)

جدول ۴- نرخ مشارکت و بیکاری نیروی کار به تفکیک جنس در دوره‌ی ۸۴-۱۳۵۵ (ارقام به درصد)

سال	کل		مرد		زن	
	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری
۱۳۵۵	۴۲/۶	۱۰/۲	۷۰/۸	۹/۱	۱۲/۹	۱۶/۴
۱۳۶۵	۳۹	۱۴/۲	۶۸/۴	۱۲/۹	۸/۲	۲۵/۴
۱۳۷۵	۳۵/۳	۹/۱	۶۰/۸	۸/۵	۹/۱	۱۳/۳
۱۳۸۰	۳۷/۲	۱۴/۲	۶۲/۱	۱۳/۲	۱۱/۸	۱۹/۹
۱۳۸۱	۳۸/۱	۱۳/۸	۶۳/۵	۱۳/۷	۱۲/۲	۱۷/۵
۱۳۸۲	۳۸/۵	۱۲/۹	۶۳/۹	۱۲/۷	۱۲/۵	۱۷/۳
۱۳۸۳	۳۹	۱۲/۳	۶۴/۴	۱۱/۳	۱۲/۹	۱۷/۸
۱۳۸۴	۴۱/۳	۱۱/۵	۶۴/۹	۱۰	۱۷/۱	۱۷

با توجه به هزینه و سرمایه‌گذاری دولتی برای یک دانشجوی انتظار می‌رود بهره‌برداری مناسب از نیروی متخصص متناسب با میزان هزینه‌ی پرداخت شده باشد، در غیر این صورت نه به لحاظ اقتصادی برای کشور مقرون به صرفه است و نه حتی به لحاظ تغییر سطح فرهنگی (به علت افزایش آگاهی). حال اگر این توجیه را بپذیریم که دریافت مدرک تحصیلی تنها برای ارتقاء سطح فکری جوانان است نه لزوماً ایجاد شغل، این سؤال قابل طرح است که آیا رشد فکری تنها از طریق کسب مدرک و از کانال شرکت در آزمون دانشگاه‌ها امکان‌پذیر است؟ یا اینکه می‌توان با هزینه‌ی کمتر و از راه‌های دیگر به این مهم دست یافت؟

در تحقیقی که گزارش بخشی از آن در این مقاله ارائه می‌گردد، بررسی و تحلیل روند وضعیت تحقیقات و تألیفات زنان و پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا تحقیقات در حوزه

زنان در دو دهه اخیر از الگویی خاص یا روند یکنواختی پیروی کرده یا نمی‌توان آن را در قالب مشخصی قرار داد؟

۱. ارزیابی تولیدات علمی در موضوع زنان (گزارش طرح تحقیق)

در تحقیق میدانی که به منظور بررسی و ارزیابی تحقیقات و تألیفات در حوزه علوم انسانی با موضوع زنان (که توسط پژوهشگران زن و مرد انجام شده است)، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۸۵ اجرا شد، ناهماهنگی در تولید و توزیع موضوعات مورد پژوهش مشاهده گردید. برخی نتایج این پژوهش مرتبط با موضوع مقاله ارائه می‌گردد. در پایان نمونه‌هایی از ناهماهنگی‌های یافت‌شده در موضوعات پژوهشی و یافته‌های آماری در قالب یک الگوی پیشنهادی، با وضعیت مطلوب و مورد انتظار تطبیق داده می‌شود.

۱.۱ سابقه‌ی روند تحقیقات در موضوع زنان

- در دوره‌ای مشخص پس از انقلاب اسلامی به دلیل فشارهای بین‌المللی و گرایش به حضور سیاسی در سطح بین‌الملل، مطالعه و تحقیق در موضوع زنان، آن هم با سرفصل‌های خاصی، در ایران افزایش یافت و باعث شد تا برخی فعالیت‌های مقطعی و وهله‌ای توسعه‌یابد که جنبه‌ی تبلیغی آن قوی‌تر از نتیجه‌ی علمی آن بود. پیروی از سرفصل‌های بین‌المللی و تلاش برای اثبات جایگاه مطلوب براساس همان شاخصه‌ها، به تدریج، منجر به نادیده گرفتن مفاهیم و ارزش‌های دینی و ملی در حوزه زنان گردید، در حالی که نگرش جدید و نوین به مفاهیم دینی و عرضه آن در مجامع بین‌المللی می‌توانست برای زن مسلمان امتیاز محسوب‌شود و موقعیت جدید و برتری برای این قشر ایجاد نماید.
- مجموعه پژوهش‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌ها یا براساس قواعد نظری، انتزاعی و فردی توصیه‌های کلی بدون در نظر گرفتن شرایط و قابلیت اجرا و یا حاصل تحقیقات میدانی و آسیب‌شناسی‌های موردی و کوتاه‌مدت بوده و نتایج آن را به راهبردهای بلندمدت تعمیم‌داده‌اند. در نتیجه مشکلات اجتماعی و معضلات فردی و حقوقی زنان نه تنها عملاً کاهش نیافته، بلکه راه‌حل اصولی و کاربردی خاصی برای زنان ارائه‌نشده است. به‌علاوه، در برخی مقاطع زمانی منجر به صرف هزینه‌ی زیاد در اموری شده که مبتلا به چندانی در جامعه ما ندارد و جزء اولویت‌های موضوعی کشور ما نیست.

- یکی از اساسی‌ترین معضلات در موضوعات زنان دوگانگی و عدم هماهنگی بین برخی مفاهیم از جمله پارادوکس بین خانه‌داری/ اشتغال بیرون از منزل، افزایش تعداد دانشجویان دختر در دوره‌ی تحصیلات عالی (نسبت به پسران)/ سهمیه‌بندی جنسیتی در دانشگاه، پای‌بندی به رعایت حقوق سنتی و دینی/ پذیرش و پیروی از احکام و قوانین بین‌المللی در مورد زنان و... است. برای رفع این تشتت و ناهماهنگی باید برنامه‌ریزی برای تحقیقات علمی و موضوع‌شناسی در مسائل مربوط به زنان در اولویت قرار گیرد که البته اولین مرحله آسیب‌شناسی وضع موجود به منظور شناسایی خلاءهای اساسی و مبنایی در موضوعات تحقیقی مورد نیاز در کشور می‌تواند باشد.
 - در نگاهی کلی به عناوین آثار علمی - تألیفی مربوط به زنان در بانک‌ها و مراکز اطلاعاتی ایران، (در تحقیق گزارش شده در مقاله حاضر) می‌توان دریافت که اغلب پژوهش‌ها با معیارهای تک بُعدی، انتزاعی و بدون ملاحظه جایگاه و اولویت موضوعات مبتلا به (فردی یا اجتماعی) و میزان اهمیت هر موضوع انتخاب شده است. برای مثال، یکی از این پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به زنان، مرکز اطلاعات و آمار زنان وابسته به شورای فرهنگی - اجتماعی زنان است که محتوای تحقیقات را به چهارده بخش کلی با عناوین زیرمجموعه‌ای آن طبقه‌بندی کرده است که به سادگی می‌توان عدم ارتباط عناوین زیرمجموعه را با عنوان کلی ملاحظه نمود که از مدل و الگوی مشخصی پیروی نکرده بلکه صرفاً براساس عناوین در دسترس آن مرکز طبقه‌بندی شده است.
- تحقیق مورد نظر، متون و چکیده‌ی تعداد ۵۲۶۵ اثر تألیفی را در موضوع زنان شامل: مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، پایان‌نامه، سمینار و... بررسی و ارزیابی نموده است. در این تحقیق، جمع‌آوری منابع و طبقه‌بندی تألیفات و تولیدات علمی زنان در ایران با مطالعه‌ی چکیده یا در صورت دسترسی متن کامل هر اثر تألیفی برای یک دوره‌ی بیست‌ساله از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ و تعداد اندکی تحقیق قبل از سال ۱۳۶۳ و تطبیق آن با شاخصه‌های طراحی شده بنابه درجه‌ی اهمیت و براساس ضریب کمی تأثیرگذاری صورت گرفت. روش جمع‌آوری منابع، با روش تجربی گردآوری کمی داده‌ها انجام و سپس طبقه‌بندی براساس شاخصه‌های طراحی شده از محتوای تحقیقات انجام شد.
- البته بازنگری و اولویت‌بندی موضوعات پژوهشی مربوط به زنان نیازمند مطالعه در سطح عمیق‌تر است، که این امر با مقایسه پژوهش‌ها و تألیفات انجام‌شده در ایران با

تحقیقات و تألیفات در سایر کشورها امکان‌پذیر است و می‌تواند مرحله دوم تحقیق و مکمل تحقیق فعلی پیش‌بینی شود. امید است در پایان آن مرحله بتوان راهبردهای مشخص و کاربردی برای بهینه‌سازی تحقیقات باموضوع زنان در آینده را پیش‌بینی نمود.

۲. روش تحقیق

ارزیابی فعالیت‌های علمی در موضوع زنان در تحقیق مورد نظر با جمع‌آوری کمی اطلاعات در منابع کتبی (کتاب، مقاله، ...) طی ۲۰ سال در ایران اعم از: بخش‌های دانشگاهی، وزارتخانه‌های دولتی، مراکز غیردولتی و مطبوعاتی آغاز گردید و سپس، با روش کیفی از نوع مطالعه‌ی موردی پس از پردازش داده‌ها براساس شاخصه‌های تعیین شده، تدوین گردید. در این پژوهش مجموعه‌ی متغیرهای چند بُعدی برای ارزیابی استفاده شده است و خصوصیات در نظر گرفته شده برای تولید شاخصه‌های ارزیابی شامل: «موضوع»، «مقیاس» و «سطح» تألیفات است که هر یک از این سه مؤلفه، سه زیرمجموعه دارد.

شاخصه ارزیابی براساس سه عامل: «متغیرهای بیرونی» (موضوع، مقیاس، سطح)، «متغیرهای درونی» و «ارتباط بین آن‌ها» تعیین شد. هر یک از متغیرهای بیرونی مشتمل بر سه متغیر درونی است که به شکل کمی داده‌ها را ارزشیابی می‌نماید. در این تحقیق مفاهیم به صورت زیر تعریف شده‌اند.

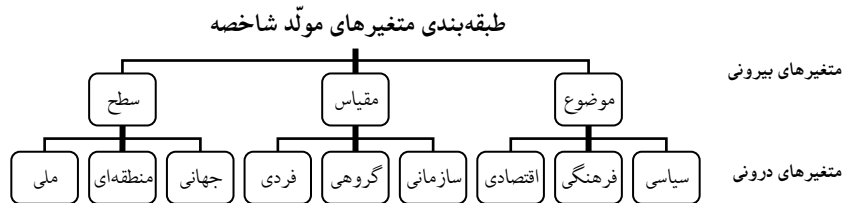
۱.۲ مفاهیم طرح پژوهشی

- «موضوع» فعالیت است که برنامه تحقیق درباره‌ی آن تدوین و اجرا می‌شود. به عبارت دیگر، موضوع، بستر برنامه‌ریزی در پژوهش است.
- در طرح حاضر سه عنوان جامع و عام، یعنی سیاست، فرهنگ و اقتصاد برای تقسیمات درونی «موضوع» تعیین شده است.
- موضوعات اقتصادی: عناوینی که موضوع آن‌ها مسائل عینی، رفتاری و کاربردی است و از نظر اهمیت به ترتیب بعد از موضوعات سیاسی و فرهنگی قرار دارد.
- موضوعات فرهنگی: کلیه‌ی عناوینی که در ارتباط با ساختارهای اجتماعی، از جمله اطلاع‌رسانی، آموزش، حقوق و... بوده و حد واسط بین موضوعات اقتصادی و سیاسی است.

- موضوعات سیاسی: کلیدی عناوینی که محتوای آن بر محور اهداف راهبردی در سطح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اجتماعی است.
- «مقیاس»: واحد مقایسه و طبقه‌بندی عناوین «تحقیقاتی» به لحاظ تمایز ساختاری فعالیت‌ها. عام‌ترین متغیرهای درونی مقیاس ارزیابی با سه عنوان سازمانی، گروهی و فردی به ترتیب اهمیت الویت‌بندی می‌شود.
- مقیاس سازمانی: کلیدی سیاست‌های قاعده‌مند و فعالیت‌های سازمانی (در خصوص زنان) که حاصل آن توسعه جایگاه، ارتقاء ظرفیت و منزلت عموم زنان می‌باشد.
- مقیاس گروهی: مطالعه خصوصیات صنفی و گروهی و به منظور ارتقای جایگاه یک قشر، صنف یا گروه منتخبی از زنان.
- مقیاس فردی: شامل حوزه‌ی تحقیق در مقیاس فردی و بررسی حالت‌های روحی، روانی و رفتار شخصی (زنان) و هر نوع مطالعه در خصوص بهینه‌سازی وضعیت موجود.
- «سطح»: به معنای حوزه و دامنه‌ی اثرگذاری پژوهش یا تألیف، مورد نظر است. هر چه دامنه‌ی سطح مورد بررسی وسیع‌تر باشد، مسائل مبتلابه بیشتری را شامل می‌شود و میزان تأثیر آن در تنظیم امور مبنایی بیشتر است.
- عام‌ترین طبقه‌بندی درونی «سطح» در موضوع تحقیقات درباره‌ی مسائل مربوط به زنان با سه عنوان جهانی، منطقه‌ای و ملی به ترتیب اهمیت، ارزش و اثرگذاری است.
- سطح جهانی: شامل طرح‌های تحقیقاتی و تألیفات در موضوع زن در بعد بین‌المللی و فرامنطقه‌ای.
- سطح منطقه‌ای: پژوهش‌ها و تحقیقات در یک منطقه‌ی جغرافیایی خاص با توجه به وجوه اشتراک کشورهای آن حوزه. (مانند خاورمیانه، جنوب شرقی آسیا و...)
- سطح ملی: پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به زنان در داخل ایران.

۲.۲ استخراج شاخصه‌های سه بُعدی از متغیرها

با شناسایی متغیرهای درونی و بیرونی در مرحله‌ی بعد رابطه‌ی آن‌ها با یکدیگر برای تبدیل کیفیت تألیفات به کمیت از مراحل بعدی تحقیق می‌باشد. از تعامل متغیرهای ذکر شده، ۲۷ شاخصه ترکیبی برای طبقه‌بندی، مقایسه و ارزیابی تحقیقات و تألیفات مربوط به زنان در طرح تحقیقی فوق استفاده شد.



شاخصه‌های ترکیبی، حاصل ضرب ماتریسی متغیرهای درونی (موضوع، مقیاس و سطح) با ضرائب کمی در ماتریس مشخص شده است. ضرائب کمی بر مبنای مدل نظری فلسفی طراحی شده که زیربنای روش تحقیق است و شرح چگونگی پیدایش آن خارج از موضوع مقاله حاضر است. هر یک از سه گروه شاخصه‌ها (بر اساس مدل تحقیقاتی) بر مبنای اهمیت و اولویت اعتبار، کدگذاری کمی شده است.

برای مثال، از نظر «سطح»، تحقیقات «جهانی» نسبت به تحقیقات «ملی» و «منطقه‌ای» جایگاه بالاتری دارد و از تعامل آن با مقیاس «سازمانی» در موضوع «سیاست»، شاخصه ترکیبی «سیاست سازمانی جهانی» (۶۴) بالاترین رتبه در اولویت و اثرگذاری در موضوع تحقیقات درباره‌ی زنان به دست می‌آید که نشان‌دهنده‌ی تحقیق در امور مبنایی و استراتژیک سازمانی در موضوع زنان است. در جهت مقابل، تحقیقات و تألیفات در زیرمجموعه‌ی شاخصه‌ی «اقتصاد فردی ملی» پایین‌ترین رتبه کمی (۱) را به لحاظ میزان تأثیرگذاری در سطح جامعه داراست.^(۱) بقیه‌ی عناوین با تخصیص‌های کمی در رتبه‌های دیگر و حد فاصل این دو شاخصه قرار دارد.

جدول ۵- ماتریس شاخصه‌های ترکیبی ارزیابی تحقیقات

موضوع	سیاست			فرهنگ			اقتصاد		
	سازمانی	گروهی	فردی	سازمانی	گروهی	فردی	سازمانی	گروهی	فردی
مقیاس	۳	۲	۱	۳	۲	۱	۳	۲	۱
سطح	۶۴	۳۲	۱۶	۳۲	۱۶	۸	۱۶	۸	۴
جهانی	سیاست سازمانی جهانی	سیاست گروهی جهانی	سیاست فردی جهانی	فرهنگ سازمانی جهانی	فرهنگ گروهی جهانی	فرهنگ فردی جهانی	اقتصاد سازمانی جهانی	اقتصاد گروهی جهانی	اقتصاد فردی جهانی

^۱ تخصیص عددی به مفاهیم ماتریس شاخصه، بر اساس مدل فلسفی طراحی شده که در حوصله‌ی این مقاله نمی‌باشد. ولی اجمالاً اختصاص سه کمیت ۱ و ۲ و ۴ به مفاهیم سه‌گانه هر بخش تأکید بر حاکمیت خانه‌ها با کمیت ۴ بر دوخانه دیگر ماتریس (۳=۱+۲) می‌باشد.

۲	۴	۸	۴	۸	۱۶	۸	۱۶	۳۲	۲
اقتصاد فردی منطقه‌ای	اقتصاد گروهی منطقه‌ای	اقتصاد سازمانی منطقه‌ای	فرهنگ فردی منطقه‌ای	فرهنگ گروهی منطقه‌ای	فرهنگ سازمانی منطقه‌ای	سیاست فردی منطقه‌ای	سیاست گروهی منطقه‌ای	سیاست سازمانی منطقه‌ای	منطقه‌ای
۱	۲	۴	۲	۴	۸	۴	۸	۱۶	۱
اقتصاد فردی ملی	اقتصاد گروهی ملی	اقتصاد سازمانی ملی	فرهنگ فردی ملی	فرهنگ گروهی ملی	فرهنگ سازمانی ملی	سیاست فردی ملی	سیاست گروهی ملی	سیاست سازمانی ملی	ملی

۳.۲ کاربرد شاخصه در شناسایی اولویت موضوعات

یافتن ارتباطات درونی موضوعات تحقیقاتی و کنترل تغییر در مسیر توسعه‌ی علمی، نیازمند سنجش و مقایسه است که این امر با تبدیل معادلات کیفی به کمی از طریق طراحی شاخصه‌ها امکان‌پذیر می‌شود، شاخصه به منزله‌ی کیفیت‌هایی کمی است که برای ارزیابی و مقایسه‌ی بین موضوعات، مورد مطالعه و به کار گرفته می‌شود. در این طرح شاخصه‌های جدید برای تعیین درجه‌ی اهمیت حوزه‌های تحقیقاتی، تألیفات و تولیدات علمی در راستای اهداف توسعه‌ی نظام در موضوع زنان طراحی شده است.

البته، امروزه شاهد تخصیص بودجه‌ی آموزشی و تحقیقاتی به موضوعات علوم انسانی و موضوع زنان نسبت به سایر حوزه‌های علوم به شکلی نامتوازن و نامتناسب هستیم که با تخصیص بودجه در کشورهای توسعه یافته فاصله زیاد دارد.

مقایسه‌ی دو مؤسسه‌ی پژوهشی عمده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه‌ی علوم انسانی و علوم تجربی به لحاظ تخصیص اعتبار نشان‌دهنده‌ی اهمیت ندادن به جایگاه علوم انسانی است. در سال ۱۳۸۱ ارزیابی میان مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی وزارت علوم صورت گرفت که در اینجا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران مقایسه می‌شود، تعداد هیئت علمی در پژوهشگاه علوم انسانی ۹۷ نفر (۱۹ استاد و دانشیار) و در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ۹۵ نفر هیئت علمی (۳ دانشیار و بقیه استادیار و مربی) و با طرح‌های تحقیقاتی پژوهشگاه علوم انسانی ۵ طرح بنیادی - ۳۴ پایان‌نامه ارشد و دکتری و طرح‌های تحقیقاتی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران شامل ۲۰ طرح کاربردی؛ اعتبارات سالانه‌ی بسیار متفاوتی دارند: پژوهشگاه علوم انسانی ۱۹/۶۰۵/۷۷۲/۰۰۰

ریال، و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران ۱۵۶/۸۶۸/۰۹۹/۰۰۰ ریال، با احتساب درآمدهای تحقیقاتی سازمان اخیر یعنی ۸۲/۶۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال توزیع بودجه‌ی دولت برای دو پژوهشگاه علوم انسانی و علوم تجربی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد (ارزیابی علم و فناوری، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۵۴).

از طریق ماتریس شاخصه‌های پیشنهادی این اختلاف سطح تخصیص نیز قابل شناسایی و جبران است که می‌توان فاصله‌ی برنامه‌ی بودجه‌ی مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی داخل کشور را با الگوهای توزیع بودجه در سطح بین‌الملل مقایسه نمود.

در این رابطه بنیاد ملی علوم در آمریکا (NSF)، مؤسسه‌ی حمایتی از تحقیقات بنیادی در وسیع‌ترین حیطه‌ی موضوعات علمی شناخته شده است، بیشترین سفارشات تحقیقی خود را مشترکاً با دانشگاه‌های معتبر و شناخته شده آمریکا انجام می‌دهد، تقاضای بودجه و تأمین آن در این مرکز علمی هر ساله به تصویب کنگره آمریکا می‌رسد و به تفکیک موضوعات و اولویت‌های تحقیقاتی و نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری گزارش شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد:

«بنیاد ملی علوم، که اولین یا دومین مرکز توزیع بودجه‌ی تحقیقاتی و علمی در آمریکا است، در سال‌های اخیر نحوه‌ی توزیع و افزایش و تخصیص بودجه را در بیشتر رشته‌های علوم و گرایش‌های مهندسی به‌صورتی متعادل انجام داده است. در حالی که در گذشته این افزایش به صورت نامتعادل و براساس اولویت‌های تحقیقات جاری تقسیم شده بود، به‌خصوص، حمایت از تحقیقات علوم کامپیوتری در دهه‌ی گذشته به شدت افزایش یافته است که دلیل عمده‌ی آن تأکید و رشد تحقیقات مبنایی در اولویت‌های ملی بوده است، لذا، در دهه‌ی گذشته، به دلیل رشد تحقیقات در IT و نانو تکنولوژی حمایت NSF نیز از تحقیقات مهندسی به صورت چشم‌گیری افزایش پیدا کرده است» (گزارش بنیاد ملی علوم آمریکا، ۲۰۰۶)

بنا به گزارش بنیاد ملی علوم آمریکا (NSF)، افزایش بودجه در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۲ بنابه خلاءهای اجتماعی در موضوعات مختلف روی می‌دهد که در این برآورد بیشترین افزایش را برای رشد آموزش عالی ۲۱/۶۹ درصد و کمترین افزایش را در علوم فن‌آوری اطلاعات و مهندسی ۲/۳۴ درصد تخصیص یافته است. دومین میزان بودجه افزایش در حیطه‌های علوم رفتاری، اجتماعی و اقتصادی ۱۵/۸۹ درصد بوده است. البته، در برخی سرفصل‌ها کاهش نیز دیده می‌شود؛ از جمله اصلاحات ساختاری در نظام آموزشی که حدود ۱۱ درصد رشد منفی داشته و توسعه‌ی منابع انسانی که بیش از ۷ درصد کاهش را نشان می‌دهد (Budget Review FY, 2003: 1).

«حمایت شدید کنگره از NSF در دو سال گذشته (۲۰۰۲-۳) بیانگر درک و آگاهی نسبت به اهمیت سرمایه‌گذاری دولتی در دورنمای تحقیقاتی متوازن برای علوم طبیعی و مهندسی در برابر علوم زیستی است که متناسب‌ترین راه برای رسیدن به آینده‌ی علمی، اقتصادی و سالم می‌باشد» (همان).

در ایران کمتر می‌توان چنین روندی را برای تخصیص بودجه تحقیقاتی ملاحظه نمود تا بتوان به طور دقیق نسبت به میزان تحقیقات و سرمایه‌گذاری کمی و کیفی بر مبنای برنامه‌های بلندمدت اظهار نظر کرد که از دلایل آن عدم حضور تحقیقات نیازسنجی یا مطالعات کیفی در نحوه‌ی تخصیص بودجه است و شاید علت فاصله موضوعات تحقیقاتی با نیازهای عینی جامعه همین عدم ارتباط سازمان‌های اجرایی با مراکز دانشگاهی، به ویژه، در علوم انسانی و رفتاری باشد.

۳. برخی نتایج حاصل از طرح پژوهشی «بررسی وضعیت تحقیقات علوم انسانی در مسائل زنان»

گزارش تحقیق و بررسی وضعیت تألیفات علمی در موضوع زنان به طور مشروح منتشر شده است. در این مقاله روند خاصی از توزیع موضوعی و محتوایی تحقیقات و تألیفات زنان در بیست سال گذشته براساس محورها و شاخصه‌های ارزیابی و متغیرهای درونی و بیرونی به شکل نمودار نشان داده می‌شود.

۱.۳ مقایسه‌ی توزیع وضعیت مطلوب و موجود

نمودار (۱) مجموعه تولیدات شامل کتاب، مقاله، طرح پژوهشی، سمینار و... را (براساس درصد) و برپایه‌ی ۲۷ شاخصه‌ی به‌دست آمده برای مقایسه وضع موجود با مطلوب نشان می‌دهد. مقایسه توزیع فراوانی تولیدات علمی موجود با وضع مطلوب (پیش‌بینی شده براساس رتبه در جدول شاخصه) نشان‌دهنده‌ی تفاوت دو مرحله می‌باشد.

در مرحله‌ی اول، تحقیقات و تألیفات با موضوع زنان نسبت به کل تولیدات موجود در جدول شاخصه‌های ترکیبی قرار گرفت. پراکندگی آثار براساس شاخصه‌های ترکیبی سه متغیری، در وضعیت به‌دست آمده از تحقیق به ترتیب بیشترین فراوانی عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ گروهی ملی (۴)
۲. فرهنگ سازمانی ملی (۸)، فرهنگ گروهی جهانی (۱۶)، فرهنگ فردی ملی (۲)
۳. اقتصاد سازمانی ملی (۴)، اقتصاد گروهی ملی (۲)

۴. سیاست گروهی ملی (۸)، اقتصاد فردی ملی (۱)
۵. فرهنگ فردی جهانی (۸)، سیاست سازمانی ملی (۱۶)
۶. سیاست فردی ملی (۴)، فرهنگ سازمانی جهانی (۳۲)، فرهنگ گروهی منطقه‌ای (۸)، سیاست گروهی جهانی (۳۲)، اقتصاد گروهی جهانی (۸)
۷. سیاست گروهی منطقه‌ای (۱۶)، فرهنگ فردی منطقه‌ای (۴)، اقتصاد گروهی منطقه‌ای (۴)، سیاست سازمانی جهانی (۶۴)، سیاست فردی جهانی (۱۶)، اقتصاد سازمانی جهانی (۱۶)
۸. سیاست فردی منطقه‌ای (۸)، فرهنگ سازمانی منطقه‌ای (۱۶)، اقتصاد فردی جهانی (۴)، اقتصاد فردی منطقه‌ای (۲)، سیاست سازمانی منطقه‌ای (۳۲)، اقتصاد سازمانی منطقه‌ای (۸)

در مرحله‌ی دوم برای نشان دادن مطلوب‌ترین وضعیت براساس جدول شاخصه‌ها و تخصیص ضرایب کمی، نسبت هر یک از خانه‌های جدول به خانه‌های دیگر سنجیده شده و درصد آن استخراج می‌گردد. در شکل مطلوب «موضوعات سیاسی در سطح جهانی و به صورت سازمانی» بالاترین ضریب کمی را داراست، زیرا در الگوی پیشنهادی تحقیقات زیربنایی و اصولی در موضوعات تخصصی، بالاترین اولویت کمی و کیفی را داشته و برای ایجاد تغییر و بهینه پژوهش در هر موضوع از جمله گرایش مطالعات زنان به شکل راهنما عمل می‌کند.

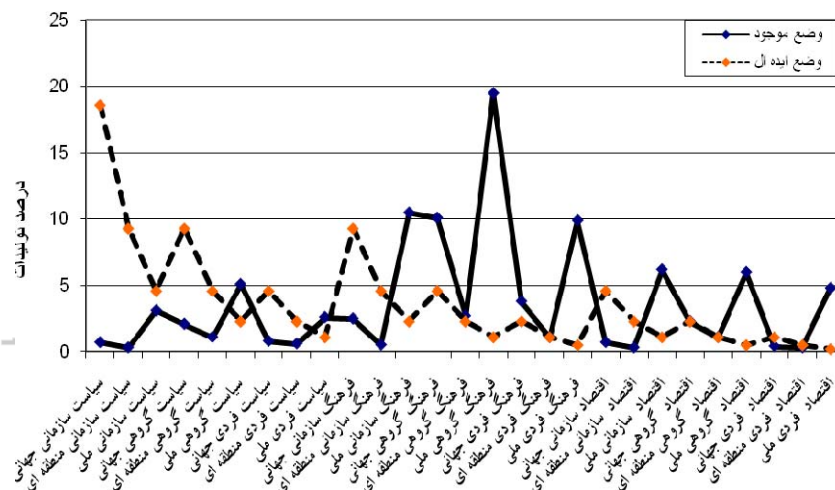
بنابر جدول به دست آمده، اولویت‌بندی مطلوب در جدول با تخصیص‌های کمی به شرح زیر است:

۱. سیاست سازمانی جهانی (۶۴)
۲. سیاست سازمانی منطقه‌ای و سیاست گروهی جهانی، فرهنگی سازمانی جهانی (۳۲)
۳. سیاست سازمانی ملی، سیاست گروهی منطقه‌ای، سیاست فردی جهانی، فرهنگ گروهی جهانی، فرهنگ سازمانی منطقه‌ای، اقتصاد سازمانی جهانی (۱۶)
۴. سیاست گروهی ملی، سیاست فردی منطقه‌ای، فرهنگ سازمانی ملی، فرهنگ گروهی منطقه‌ای، فرهنگ فردی جهانی، اقتصاد سازمانی منطقه‌ای، اقتصاد گروهی جهانی
۵. سیاست فردی ملی، فرهنگ گروهی ملی، فرهنگ فردی منطقه‌ای، اقتصاد گروهی منطقه‌ای، اقتصاد فردی جهانی (۴)
۶. فرهنگ فردی ملی، اقتصاد گروهی ملی، اقتصاد فردی منطقه‌ای (۲)
۷. اقتصاد فردی ملی (۱)

فاصله‌ی وضعیت موجود نسبت به مطلوب در موضوع تحقیقات زنان، در نمودار

(۱) نشان داده شده است. با نگاهی اجمالی به تولیدات موجود، بیشترین فراوانی در شاخصه‌هایی است که رتبه‌های نازل‌تری (۱ و ۴ و ۸ و ۲) دارند و رتبه‌های بالاتر، که نمایانگر موضوعات زیربنایی، نظری، پایه‌ای و اصولی بوده و نقش تعیین کننده‌ای در تحقیقات کاربردی دارد، در تحقیق حاضر مشخص گردید که آثار کمتری در این شاخصه‌ها تولید شده است.

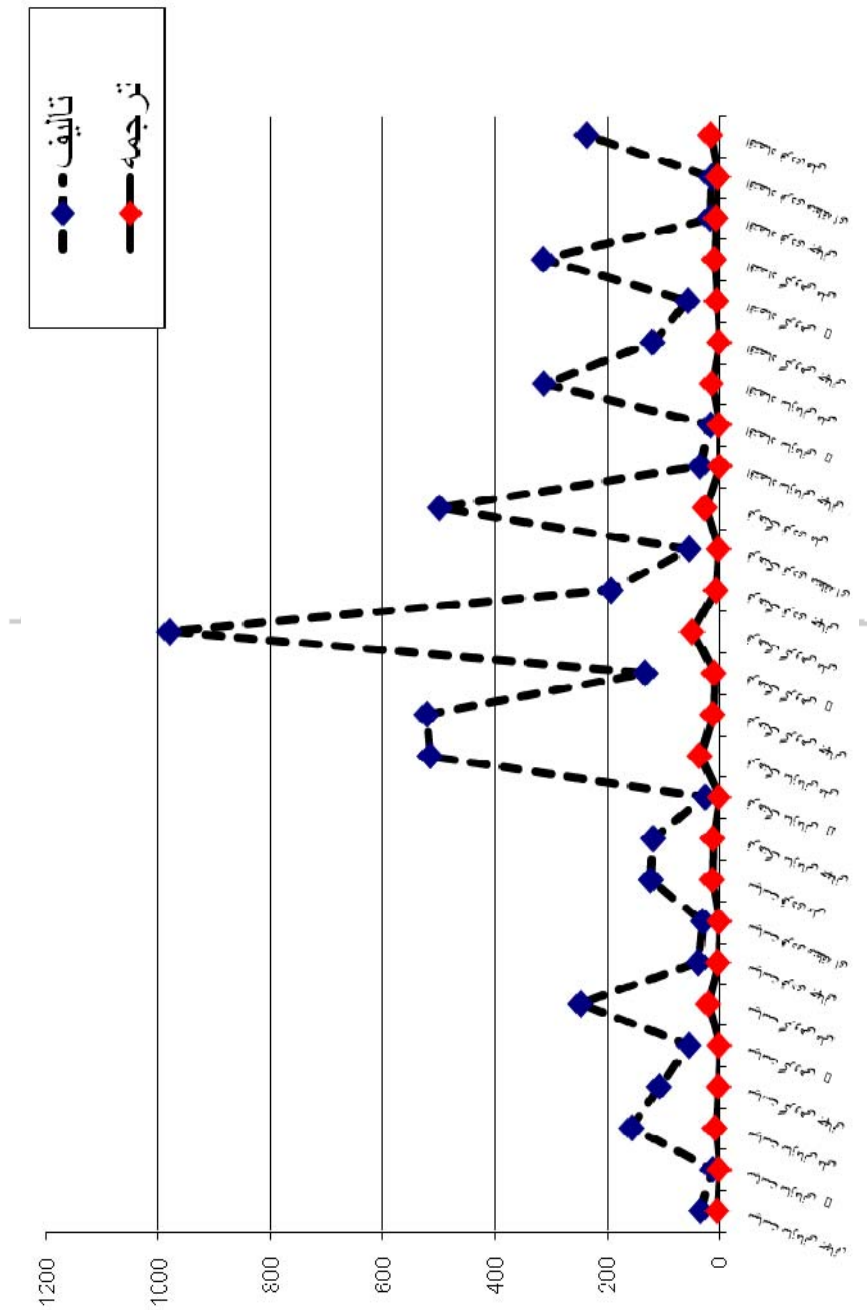
نمودار ۱- مقایسه‌ی میزان فعالیت‌های تحقیقاتی برحسب شاخص‌ها (موجود و مطلوب)



۲.۳ مقایسه توزیع فراوانی «انواع تولیدات»

نمودار شماره (۲) مقایسه آثار ترجمه و تألیف را نشان می‌دهد که میزان ترجمه نسبت به تألیف بسیار کمتر است. نکته مهم در مورد ترجمه این است که در شاخصه فرهنگ ملی (اعم از فردی - گروهی یا سازمانی) بیش از بقیه شاخصه‌ها ترجمه صورت گرفته است (البته، ترجمه معمولاً، از زبان‌های دیگر به فارسی است نه بالعکس). به عبارتی، مقالات و اطلاعات مربوط به وضعیت داخلی ایران، که از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده‌اند، بیش از سایر منابع بوده است، ولی در مورد وضعیت زنان در منطقه یا سطح جهانی با موضوعات سیاسی و اقتصادی به ندرت مطلبی به فارسی ترجمه شده است. به همین ترتیب، موضوع‌های فرهنگی، آن هم در سطح ملی یا منطقه‌ای، بیشترین فراوانی را از آن خود کرده است.

نمودار ۲- مقایسه نوع تولیدات برحسب شاخص‌های ارزیابی



۳.۳ مقایسه‌ی توزیع فراوانی تولیدات براساس تاریخ

نوسانات پژوهش و تألیف براساس تاریخ طی ۲۰ سال گذشته بررسی شده و نکات قابل توجهی به دست آمد.

در نیمه‌ی دهه‌ی ۷۲-۱۳۶۷ با پایان جنگ تحمیلی و استقرار نسبی ساختارهای فرهنگی در جامعه و همچنین؛ اعلام دوره‌ی دهه‌ی زن توسط سازمان ملل متحد، تولیدات مکتوب و بعضاً تحقیقات در موضوع زنان افزایش قابل توجهی داشت. همین روند در دهه‌ی دوم (۱۳۸۳-۱۳۷۳)، به حداکثر تولید در بیست سال مورد مطالعه‌ی این تحقیق رسید. یکی از دلایل سهم این تغییر، برگزاری اجلاس پکن و پکن⁺ (۵) و پکن⁺ (۱۰) از طرف سازمان ملل متحد و نیز توجه بیشتر جامعه‌ی جهانی نسبت به موقعیت و حقوق زنان ایران و جهان اسلام بود.

به نظر می‌رسد فضای بین‌المللی تأثیر مستقیم در موضع‌گیری و در نتیجه واکنش نسبت به وضعیت حقوق زنان در ایران و شبهات مربوط به جایگاه زن در اسلام از طرف سازمان‌هایی چون حقوق بشر و «کمیسیون رفع هرگونه تبعیض برضد زنان» (CEDAW) داشته است. برخی شبهات که به صورت سئوالاتی مانند: حقوق دینی، آزادی بیان، حقوق زندانیان و زنان، عدالت اجتماعی در گزارش‌های دوره‌ای حقوق بشر مدنی و سیاسی در سال‌های ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ آمده است (Situation of Human Rights in IRI, Resolution, 2000: 17).

همچنین، در سال ۲۰۰۰، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه ۵۴/۱۷۷ از ایران خواست تا در مورد وضعیت زنان و چند موضوع دیگر به سازمان ملل گزارش دهد. در سال ۱۹۹۹، در قطعنامه دیگری از ایران خواسته شده تا قوانین تبعیض‌آمیز برضد زنان را تغییر دهد (Situation of Human Rights in IRI, Resolution, 1999: 32). اصرار بر پذیرش کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض برضد زنان طی همین سال‌ها دلیلی دیگر بر فشار بین‌الملل بر جامعه‌ی ایران بود.

هم زمان، در ایران گرایش‌های سیاسی دولتی و غیردولتی نیز انگیزه‌ی دیگری برای حضور زنان در اجتماع و صحنه‌ی سیاست و شرکت در انتخابات شد و لذا، افزایش مقالات و تألیفات، به‌ویژه در مطبوعات، و اظهارنظرهای تبلیغی (و نه چندان عمیق) با موضوع زنان، آن هم از موضع انفعالی، در برابر شبهات وارده از سوی جامعه بین‌الملل،

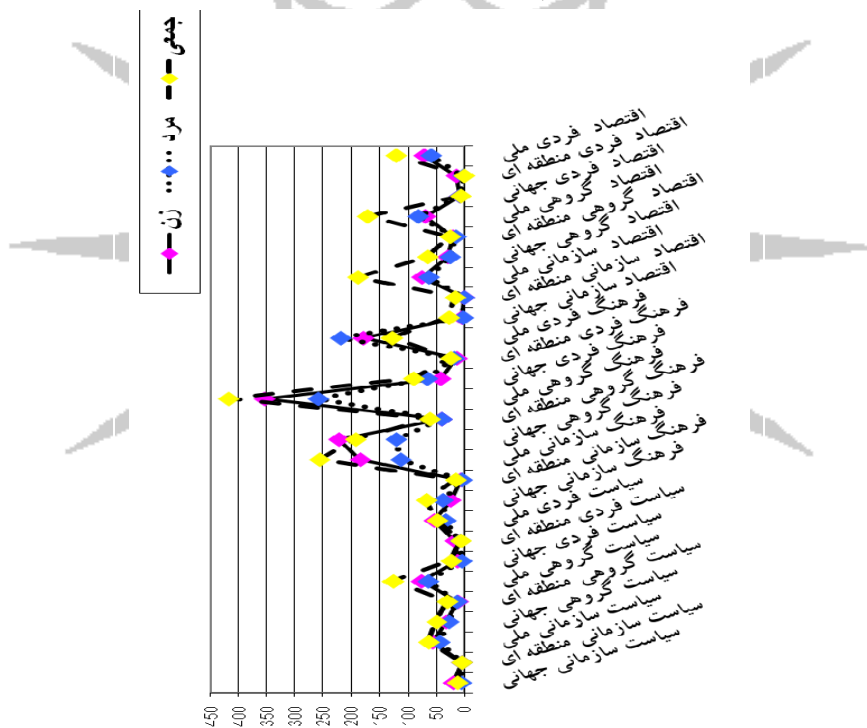
افزایش یافت؛ بالاترین فراوانی در این حوزه در موضوعات فرهنگ فردی، گروهی و سازمانی (حقوق و آموزش ویژه زنان) در این مجموعه قرار دارد. اگرچه افزایش تألیفات و مقالات با موضوع زنان، در هر حال، مثبت ارزیابی می‌شود، ولی سرفصل‌های دیگری وجود دارد که با معیارهای جامعه‌ی انقلابی ایران تناسب بیشتری داشته است، اما، متأسفانه، نادیده انگاشته شده و کمتر تحقیق و تألیفی در این زمینه به چشم می‌خورد. از جمله عناوینی که می‌توان برای پیشنهاد موضوع تحقیق به آن‌ها اشاره کرد عبارت‌اند از: نقش سیاسی زنان مسلمان ایرانی در تغییرات اجتماعی، جنبش اینترگونه زنان در سیاست و تولیدات اقتصادی و تأثیر این قشر در وقوع انقلاب و رویدادهای سال‌های بعد (موضوعی مهم برای انعکاس در سطح جهانی). بنابراین، می‌توان این فرض را برای بررسی بیشتر طرح کرد که افزایش تحرک علمی با موضوع زنان در یک دوره‌ی خاص بیشتر به دلیل واکنش به خواسته‌های جامعه بین‌الملل بوده تا رفع نیازهای مبتلابه زنان در ایران.

لازم به ذکر است که اثبات علل تغییرات در روند تحقیقات و مطالعات زنان در دو دهه‌ی اخیر، نیازمند مطالعه بیشتر بر پایه‌ی ارزیابی محتوای کامل منابع موجود می‌باشد و بهتر است این بررسی، موضوع پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی پژوهشگران و دانشجویان دوره‌های عالی دانشگاه‌ها قرار گیرد. اما، در این تحقیق با حداقل بضاعت، حدوداً برخی علل افزایش و کاهش کمیت و کیفیت تحقیقات و تألیفات با توجه به وقایع و رویدادهای مقطعی و دوره‌ی زمانی خاص روشن شد.

۴.۳ مقایسه‌ی تعداد پژوهشگران (مؤلفان) زن و مرد

نمودار (۴) پراکندگی تحقیقات در حوزه‌ی زنان طی بیست سال اخیر با توجه به جنسیت پژوهشگران زن و مرد را نشان می‌دهد. تفاوت معناداری بین پژوهشگران زن و مرد از نظر تعداد مؤلفان دیده نمی‌شود، مگر در شاخصه‌ی فرهنگ گروهی ملی، فرهنگ گروهی منطقه‌ای و فرهنگ سازمانی ملی که در آن تعداد نویسنده‌های زن بیش از مردان است. در تطبیق سایر یافته‌ها مشخص شد که بیشتر آثار مکتوب از نوع مطبوعاتی و گزارش می‌باشد و عناوین علمی - تحقیقی و مبنایی - فلسفی، کمتر مورد توجه و پژوهش برای هر دو جنس قرار گرفته است.

نمودار ۴- مقایسه‌ی جنسیت پژوهشگران در فعالیت‌های تحقیقاتی برحسب شاخصه‌ها

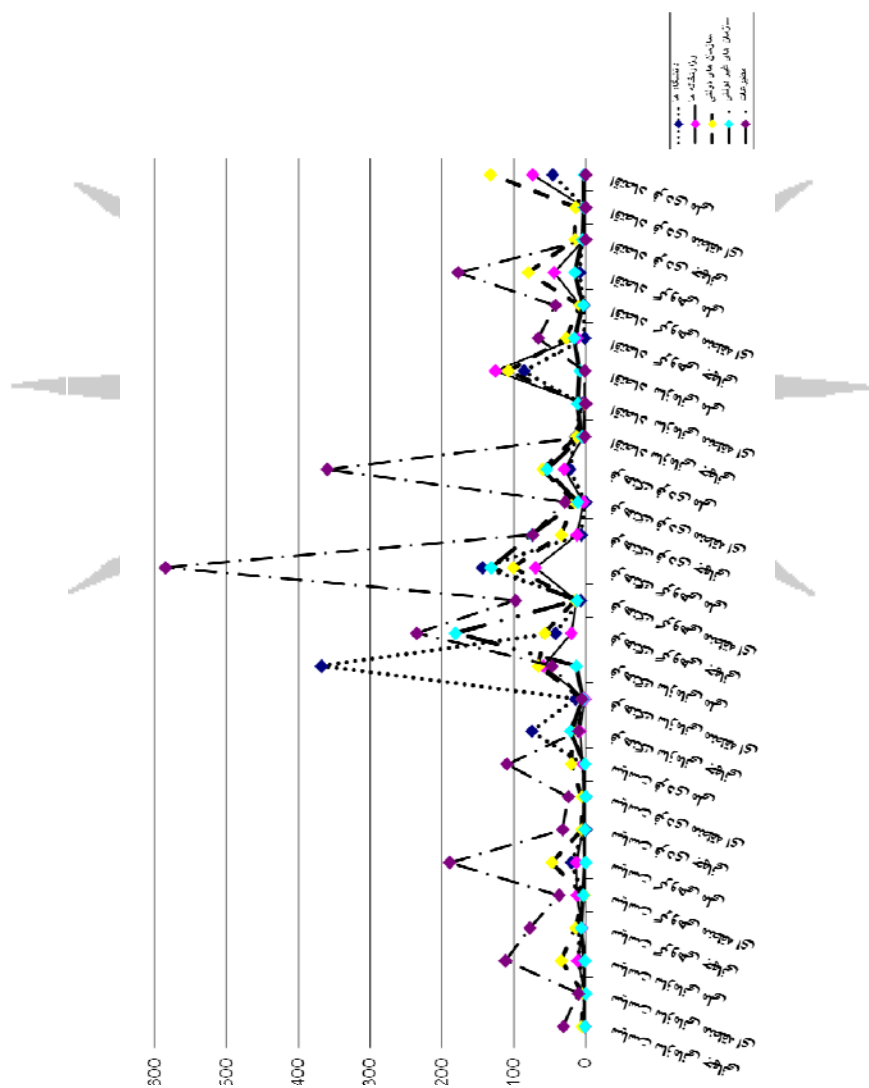


۵.۳ سفارش‌دهندگان و حمایت‌کنندگان مالی تحقیقات و تألیفات

یکی دیگر از محورهای مورد ارزیابی در این تحقیق، مراکز سفارش‌دهنده یا حامیان مالی طرح‌های تحقیقاتی، مقالات و کتب شامل: دانشگاه‌ها، وزارتخانه، سازمان‌های دولتی و

سازمان‌های غیردولتی بود. میزان حضور هر یک از این مراکز در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است. اگرچه ظاهراً، گرایش مراکز سفارش‌دهنده به حوزه‌های مختلف برای مطالعه‌ی مسائل زنان متفاوت بوده، ولی تمرکز سفارشات در بخش‌های خاص و بنابر نیازهای وهله‌ای مراکز سفارش‌دهنده بوده است که چند نکته در این نمودار حائز اهمیت است:

نمودار ۵ - مقایسه سفارش دهندگان تولیدات براساس شاخصه‌ها



- هر چند مطبوعات به لحاظ علمی جزء بررسی‌های اصلی و اولیه نبودند اما به دلیل کثرت انتشارات مطبوعاتی در موضوع زنان در این بررسی گزارش شده است. بیشترین مقالات مطبوعاتی در حوزه‌ی «فرهنگ گروهی ملی» و در مرتبه‌ی بعد «فرهنگ فردی ملی» (مانند مسائل حقوقی و آموزشی زنان) بود، البته در حوزه‌های سیاست گروهی ملی، سیاست سازمانی ملی و اقتصاد گروهی ملی هم بعضاً برخی مسائل مربوط به زنان در قالب مقاله، گزارش و مصاحبه نیز دیده می‌شود. ولی اساس کار مطبوعاتی بیشتر در بخش‌های حقوقی و آموزشی اقشار مختلف زنان در سطح ملی است.
- رتبه‌بندی به لحاظ فراوانی، به ترتیب دانشگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) سفارش‌دهنده طرح تحقیقاتی و مقاله هستند که حداکثر سفارشات این مراکز در حوزه‌ی «فرهنگ گروهی جهانی» و سپس «فرهنگ گروهی ملی» است.
- حداکثر سفارش‌های دانشگاهی شامل مقالات علمی، پایان‌نامه و طرح‌های پژوهشی در سطح «فرهنگ سازمانی ملی» قرار داشت. رتبه‌بندی سفارش‌های تحقیق در سایر سطوح مانند: فرهنگ گروهی ملی، اقتصاد سازمانی ملی، فرهنگ سازمانی جهانی و اقتصاد فردی ملی، تقریباً در مرتبه بعدی و به صورت یکپارچه و همسان قرار داشت که همچنان با وضع مطلوب فاصله‌ی زیادی دارد.
- از آنجا که هنوز نقش و جایگاه تعریف شده و مشخصی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (آن‌گونه که در کشورهای غربی عمل می‌شود) در ایران وجود ندارد، نهادهای تخصصی غیردولتی برای معرفی سازمان یا فعالیت خود به حوزه‌های بین‌المللی، نیازمند شناخت بیشتر مسائل فرهنگی، حقوقی، آموزشی و اجتماعی کشورهای پیشرفته می‌باشند که لازمه‌ی آن حضور و آشنایی با روند و موضوعات اجلاس‌ها، نشست‌های بین‌المللی و کمیسیون‌های وابسته به سازمان ملل متحد است؛ همین حضور فعال می‌تواند علت افزایش علاقه‌مندی این سازمان‌ها به مطالعه و بررسی‌های تطبیقی در موضوعات فرهنگی زنان در ایران و سایر کشورها و بالعکس گردد.
- سازمان‌ها و مراکز مرتبط با وزارتخانه‌ها از جمله سفارش‌دهندگان و حمایت‌کنندگان تحقیق و تألیف در موضوع زنان بودند که بیشتر سفارش‌های آن‌ها حول شاخصه‌های «اقتصاد سازمانی ملی»، «اقتصاد فردی ملی»، «فرهنگ گروهی

ملی» و «فرهنگ سازمانی ملی» بود ولی سفارش‌های کمتری در رابطه با موضوعات سیاسی ملی، منطقه‌ای جهانی و اقتصاد منطقه‌ای و جهانی (که در وضع مطلوب منزلت بالاتری دارند) دیده می‌شود.

- لازم به یادآوری است که مطالعه، بررسی و آسیب‌شناسی تغییرات اجتماعی با موضوع زنان یکی از ارکان اصلی برای برنامه‌ریزی بوده و لازم است در اولویت دستور کار سازمان‌های دولتی مستقلاً قرار گیرد که زیرمجموعه‌ی وزارتخانه خاصی نیستند؛ از جمله این مراکز (لحاظ شده در نمودار) می‌توان به صداوسیما، جمهوری اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، دفتر تحقیق و توسعه‌ی سازمان برنامه و بودجه و مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اشاره کرد. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده در این سازمان‌ها نیز بیشتر در حوزه‌ی اقتصاد فردی ملی، اقتصاد سازمانی ملی، فرهنگ گروهی ملی و فرهنگ سازمانی ملی است و در حوزه و شاخصه سیاست گروهی و سیاست سازمانی ملی علی‌رغم اهداف و وظایف مکتوب این سازمان‌ها، سفارشات اندکی دیده می‌شود.
- در مجموع، سفارش و حمایت از تحقیق و پژوهش با موضوع زنان در ایران چندان چشمگیر نبوده و لازم است نیازهای موجود جامعه زنان ایران پس از آسیب‌شناسی جزء اولویت برنامه‌های تحقیقاتی قرار گیرد که این مهم از وظایف اصلی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها شمرده می‌شود.

۴. نگاهی اجمالی به ناکارآمدی‌ها در مدیریت علوم انسانی

یکی از انگیزه‌های اجرای این تحقیق ناهماهنگی‌ها و خلاءهایی است که در تحقیقات علوم انسانی و زنان می‌توان مشاهده نمود که با اجرای این تحقیق ابعاد جدیدی از نگرش به پژوهش و جدی‌نگرفتن تحقیقات علوم انسانی از جمله در موضوع زنان و مهم‌تر، بی‌اطلاعی مراکز تحقیقاتی و اجرایی از عملکرد یکدیگر روشن شد، که اجمالاً برای جلب توجه محققان، و برنامه‌ریزان این خلاءها ذیلاً ذکر می‌شود:

- در ایران اسلامی خصوصیات دینی و ملی شاخص قدرت فرهنگی کشور است، شناخت وضعیت فرهنگی (از لحاظ فرهنگ عمومی، فرهنگ رسمی و آموزشی) و

پیش‌بینی تغییرات در رفتار، بینش و انگیزه‌های اجتماعی و مداوم و روزآمد نمودن این خصوصیات ضروری بوده و از وظایف علوم انسانی محسوب می‌شود. همچنین، پشتیبانی از تولید نظریه‌های فرهنگی و طراحی تحقیقات و مطالعات زیرساختی در فرهنگ، سیاست و اقتصاد و همچنین، تقویت و توسعه آن بستگی به شناخت ارزش علوم انسانی و تخصیص امکانات لازم به آن را دارد.

- در کشور ما امروز علوم انسانی، علمی مطلق، بریده و بدون ارتباط با سایر علوم و از منظر عموم صرفاً برای افزایش معلومات ذهنی تلقی می‌شود، به گونه‌ای که حتی سنجش و ارزیابی علوم انسانی با شاخص‌های علوم تجربی و به شکل کمی صورت می‌گیرد. در حالی که در کشورهای پیشرو از نظر علمی و صنعتی، که بعضاً جایگاه و منزلت اعتقاد انسانی و اخلاقی، محور و از اصول راهبردی آن کشورها نیست، به دلیل پیدایش برخی ناهنجاری‌های حاصل از دخالت علوم تجربی در زندگی بشر، رویکرد تازه‌ای نسبت به توسعه‌ی حضور علوم انسانی در علوم زیستی، پزشکی، صنعتی و... پیداشده است که این ارتباط امروزه بیشتر در اخلاق و پزشکی یا علوم زیستی - که با حیات انسان ارتباط تنگاتنگی دارد - مطرح است. علوم انسانی مانند: فلسفه، اخلاق، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و... نه تنها در پزشکی و علوم زیستی حضور فعال و مفید داشته، بلکه در سایر گرایش‌های علمی هم تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن قابل مشاهده است. از این رو، می‌توان پیش‌بینی نمود در آینده‌ای نه چندان دور اختلاط علوم انسانی و علوم تجربی به اندازه‌ای افزایش یابد که شاید تشخیص آن از یکدیگر به راحتی ممکن نباشد. در نتیجه ممکن است از مجموعه‌ی آن‌ها علوم جدیدی برای حل معضلات جامعه جهانی تولید شود.

- دلیل دیگر ناهماهنگی و عدم انسجام در تحقیقات علوم انسانی در ایران، حداقل توجه و التفات و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی به علوم انسانی و شاخه‌ی تحقیقات زنان به عنوان زیرمجموعه‌ی این علوم است. در نتیجه ارزیابی طرح‌ها و مقالات علوم انسانی به جای آنکه با شاخصه‌های متناسب علوم انسانی صورت گیرد از پایگاه تجربی - یعنی دیدگاه حاکم بر مدیریت علمی کشور - انجام می‌شود. لذا برآوردهای تولیدات علوم انسانی - به واسطه‌ی اینکه مبنای تولید محصول با مبنای ارزیابی آن متفاوت است - آن را در منزلتی پایین‌تر از سایر گرایش‌ها قرار می‌دهد.

• ارتقاء جهت توسعه علمی و رفع مشکلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه مستلزم تولید «الگوی جامع» با «تعاریف مشخص» و «مرتبط با راهبردهای اصلی هر نظام» می‌باشد. در حال حاضر موضوعات مربوط به زنان به شکل علمی آسیب‌شناسی نشده و سنجش نیازهای آنان به شکل پایگاه تحقیقات مبنایی مورد توجه قرار نگرفته است، در صورتی که اگر این اولویت سنجی براساس فرهنگ دینی و ملی جامعه انقلابی ایران انجام شود، علاوه بر بهینه‌ی وضع موجود، زمینه‌ی طرح مسائل و موضوعات جدید را هم فراهم می‌آورد. اما از آنجا که پس از انقلاب اسلامی، نه در حوزه‌های علمیه و نه در مراکز بنیادی آکادمیک، اقدام عملی برای تولید علوم انسانی برپایه دین و فرهنگ بومی صورت نگرفته، به تدریج، این تصور قوت گرفت که این علوم استفاده کاربردی و عملی در جامعه نداشته و لذا محکوم به حذف تدریجی است که از هر کار دیگری آسان‌تر می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

برای بهینه‌ی وضعیت موجود در جهت توسعه‌ی جایگاه زنان نکاتی به نظر می‌رسد که امید است مورد توجه و عنایت جامعه علمی، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور، به‌خصوص، در حوزه آموزش و تحقیقات، قرار گیرد:

- شناسایی علل و عوامل فرهنگی و اقتصادی، در حوزه‌ی تحقیقات علوم انسانی و پژوهش‌های مربوط به زنان، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها در عرصه‌ی برنامه‌ی توسعه‌ی علمی کشور است؛ زیرا برنامه‌ریزی اقتصادی و سیاسی جامعه هنگامی در جایگاه متناسب و مؤثر خود عمل خواهد کرد که در تعامل با فرهنگ و در راستای بینش و هویت فردی و اجتماعی آحاد مردم بوده و بتواند سطح فرهنگی جامعه را در راستای اهداف راهبردی و چشم‌انداز بلندمدت کشور ارتقاء دهد.

- چنانچه اهمیت جایگاه مطالعات و تحقیقات زنان در برنامه‌ریزی علمی کشور تبیین نگردد و منابع انسانی، مقدرات اقتصادی و سیاسی متناسب با آن تخصیص داده نشود، انتخاب موضوعات تحقیقی و عناوین مقاله‌های علمی و موضوعات رساله‌های منسجم و مربوط نبوده بلکه براساس «شرایط بیرونی»، «مقطعی» و «وهله‌ای» جامعه و حتی سلاقت شخصی انجام می‌گیرد؛ لذا اولویت‌هایی

که در پیشبرد و توسعه‌ی اجتماعی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و موجب‌شده تا زنان ایران موقعیتی متفاوت و برتر نسبت به گذشته داشته باشند، در طولانی مدت نادیده گرفته شده و عملاً فراموش خواهد شد.

- کم‌توجهی محافل علمی از جمله دانشگاه‌ها به موضوعات توسعه‌ای زنان از مقایسه میزان و تعداد پایان‌نامه‌ها در موضوع زنان با تحقیقات زیربنایی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زنان کاملاً مشهود است. با توجه به سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ضعیف شدن تمایلات اخلاقی، مذهبی و معنوی میان جوانان و دانشجویان و عدم مطالعه‌ی علمی برای شناخت علل این تحولات که از تعداد اندک آثار مکتوب پژوهشی و فرهنگی در این زمینه نمایان است، نیاز به طراحی و اجرای تحقیقات و مطالعات اصولی در علوم انسانی کاری بلندمدت و تلاشی عمیق متناسب با مبانی راهبردی فرهنگ اسلام و انقلاب اسلامی ایران بیش از هر زمانی به چشم می‌خورد. چنانچه، اگر دقتی عمیق به این مسئله صورت می‌گرفت، پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی، امروز ناگزیر از تبعیت برنامه‌های علمی دیگران با موضوعات خاص آن کشورها و حتی با شاخص‌های ارزیابی همان جوامع نمی‌شدیم و از طرف دیگر، اگر تحقیقات با نیاز جامعه‌ی ایران و بر مبانی راهبردی منطبق و هم راستا بود قابلیت عملیاتی و اجرایی‌شدن را هم به صورت نظری و هم کاربردی پیدامی‌کرد. لذا تنها در این صورت می‌توان علوم انسانی بومی را ایجاد کرده و به راه حل ساده حذف اصل مسئله (علوم انسانی یا برخی رشته‌های آن) اکتفا نمی‌کردیم. برخی سؤالات پژوهشی برای ادامه و تکمیل تحقیق حاضر، که می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام پژوهش‌ها و تهیه رساله برای مراکز آموزشی و پژوهشی در آینده باشد، عبارت‌اند از:

- آیا موضوعات مبتلابه جامعه‌ی زنان در چهارچوب برنامه‌ریزی تحقیقاتی کشور با طبقه‌بندی در حوزه‌های مشخصی تنظیم‌شده یا پراکنده و گسترده است؟
- چنانچه این حوزه‌ها، در برنامه توسعه علمی کشور مشخص است، نحوه‌ی توزین و درجه‌ی اهمیت هر یک چگونه مشخص می‌شود؟
- فاصله‌ی وضعیت موجود تحقیقات زنان در حوزه‌ی علوم انسانی با دورنمای توسعه‌ی علمی کشور در سایر بخش‌ها چقدر است؟

منابع

- مکنون، ثریا ۱۳۸۶. بررسی وضعیت تحقیقات علوم انسانی در مسائل زنان (در بیست سال اخیر در ایران)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بی‌نام، ۱- ۱۳۸۰. طرح کشوری نیازسنجی زنان ایران (۲۴ استان)، تهران: مرکز مشارکت امور زنان ریاست جمهوری.
- واحد آمار و انفورماتیک دفتر امور زنان با همکاری سید صدرالدین بلادی موسوی ۱۳۷۶، شاخصه‌های اجتماعی - اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری ایران.
- بی‌نام ۱۳۸۱. ارزیابی علم و فن‌آوری در جمهوری اسلامی ایران، اولین ارزیابی خرد دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی، بی‌جا: هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای انقلاب فرهنگی.
- بهشتی، ملوک‌السادات ۱۳۸۸. «پژوهش در حوزه مسائل زنان»، ماهنامه پیام زن، شماره ۲۱۶.
- فاتحی، ابوالقاسم و دیگران ۱۳۸۸. گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک - مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۸۰. آمار آموزش عالی (سال تحصیلی ۱۰-۷۹)، بی‌جا: گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک.
- محمدنژاد عالی زمینی، یوسف ۱۳۸۸. گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، تهران، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

www.iranwomen.org/zanan/dbpages/amar.htm

Kira Sanbonmatsu, *Where Women Run; Gender and Party in American States*, 2005. Univ. of Michigan Press.

National Science Foundation; Federal Funds for Research & Development, 2006. *FY*.

Budget Review 2003. *FY* Univ. of Calif. Office of Federal Governmental Relations.

Situation of Human Rights in IRI, 2000. Resolution 54/17, *OHCHR*.

Situation of Human Rights in IRI, 1999. Resolution E/Cn4.

<http://amar.sci.org.ir/plantList.aspx>